



نقد و بررسی انواع سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف

حسین عزیز آبادی^۱، امان الله علیمرادی^{۲*}، سیدمهدی احمدی موسوی^۳

۱- دانشجوی دکترای تخصصی، گروه حقوق گرایش جزا و جرم شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران.

3209752729@iaau.ac.ir

۲- استادیار، گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. 3130220305@iaau.ir

۳- استادیار، گروه حقوق، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران. 2992162299@iaau.ir

خلاصه

هدف این مقاله نقد و بررسی انواع سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف است و ارائه تبیینی جامع از سیاست‌های جنایی در این حوزه و بررسی تحولات اخیر در این زمینه می‌پردازد. همچنین به بررسی همخوانی و هماهنگی سیاست‌های جنایی در این خصوص و پیامدهای ناشی از یک عملکرد منسجم می‌پردازد. این موضوع می‌تواند به عنوان یک دریچه جدید برای فعالان این حوزه عمل کند و به بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی کمک نماید. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی تهیه و به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف شامل چهار نوع اصلی، یعنی سیاست‌های تقنینی، اجرایی، قضایی و مشارکتی می‌شود. در این چارچوب، آخرین اقدام در حوزه سیاست جنایی تقنینی، تصویب قانون حجاب ۱۴۰۳ است که در این مقاله نقد و بررسی شده است و در نهایت، برای مواجهه مؤثرتر با این مسئله پیشنهاد می‌شود سیاست‌های جنایی به سمت اقدامات پیشگیرانه و فرهنگی سوق پیدا کنند، زیرا اقدامات صرفاً کیفری یا نظامی ممکن است به جای حل مسئله، موجبات تحریک بیشتر افراد را فراهم کرده و نتیجه‌ای معکوس به همراه داشته باشند.

کلمات کلیدی: سیاست جنایی قضایی، سیاست تقنینی، سیاست جنایی اجرایی، سیاست جنایی مشارکتی، حجاب، عفاف.



۱. مقدمه

در حال حاضر، با گسترش ادبیات روشنفکری و تمایل نسل جوان به بررسی و تحلیل شبهات مرتبط با مسائل دینی، توجه مسئولان و متولیان فرهنگی جامعه به ارائه پاسخ‌های مناسب و متناسب با این افکار بیش از پیش ضروری شده است. در این میان، موضوع حجاب به عنوان یکی از مباحث پرمخاطب و جنجالی اجتماعی، توجه بسیاری از محافل و مجامع را به خود جلب کرده است. واقعیت‌های بیان شده از منظر دین نشان می‌دهد که حجاب به عنوان ابزاری برای تعدیل تمایلات جنسی و کنترل ارزش‌های اجتماعی عمل می‌کند. همچنین، رابطه مستقیم رعایت حجاب و عفاف با سلامت روحی فرد و انسجام خانواده، حقیقتی انکارناپذیر است. امروزه، سوالات و انتقادات در زمینه مسائل دینی به طور فزاینده‌ای افزایش یافته و حجاب و عفاف نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این موضوع از زوایای مختلف مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

سیاست‌های جنایی نیز از این قاعده مستثنی نیستند، به‌طوری‌که اصول و نتایج دلایل و مصالحی که قانون‌گذار در فرآیند قانون‌گذاری مد نظر قرار می‌دهد، در سیاست‌های جنایی و قضایی نیز نمایان می‌شود. این ارتباط و جامعیت با حوزه‌های مختلف ما را به سمت بررسی و تحلیل سیاست‌های جنایی تقنینی و قضایی جمهوری اسلامی در برابر بی‌حجابی هدایت می‌کند. افزایش سیاست‌های مجرمانه قوه قضائیه اسلامی به نوعی به قیام علیه حجاب منجر شده است، چرا که در جامعه امروز، جرم‌انگاری این نابهنجاری تا حدی کاهش یافته است. از سوی دیگر، یکی از نیازهای اساسی برای مقابله با عدم رعایت حجاب شرعی در جامعه امروز، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. ایران اسلامی به‌طور جدی با این معضل مواجه است و متأسفانه آسیب‌های ناشی از آن بیش از هر زمان دیگری جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. با این حال، هنوز رویکرد واحدی بین قوه مقننه و مجریه وجود ندارد. در سیاست‌ها و رویه‌های قضایی، چه در قوه قضائیه و چه در قوه مجریه، بارها شاهد مواردی بوده‌ایم که می‌تواند به افزایش جرایم در این حوزه منجر شود. مسأله سیاست جنایی، همان‌طور که مشخص است، فراتر از قانون رفته و حتی به عرصه فرهنگ نیز نفوذ می‌کند. این موضوع نشان‌دهنده چندبعدی بودن مسأله حجاب است؛ به طوری که اگر اراده‌ای برای مقابله با بی‌حجابی وجود داشته باشد، باید در زمینه‌های مختلف فعالیت کرد. در معنای خاص، سیاست جنایی به مجموعه تدابیر و واکنش‌هایی اطلاق می‌شود که قانون‌گذار برای یک پدیده خاص در نظر می‌گیرد. برخی دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های اسلامی، برای حفظ انسجام اجتماعی و پاسداری از ارزش‌های دینی به‌منظور سعادت جامعه، در فرآیند جرم‌انگاری خود علاوه بر توجه به حوزه عمومی، حریم خصوصی افراد را نیز مدنظر قرار داده‌اند. از این طریق تلاش می‌کنند جامعه را به‌سوی اهداف مطلوب هدایت کنند. قانون‌گذاران با پیاده‌سازی چنین مدل‌های حقوقی، بعضاً رفتارهایی را که ماهیتاً مرتبط با حقوق کیفری نیستند و بیشتر نیازمند ابزارهای فرهنگی و اجتماعی هستند، با استفاده از جرم‌انگاری وارد دایره حقوق کیفری می‌کنند. به‌عنوان نمونه، نحوه پوشش افراد، خصوصاً زنان، در این جوامع به‌نوعی از ارزش‌های مهم محسوب می‌شود و ورود قانون‌گذار به این حوزه معمولاً از طرف نظام سیاسی کلی آن جوامع مورد حمایت قرار می‌گیرد.

یکی از موضوعات جنجالی که در سال‌های اخیر موجب شکل‌گیری گفت‌وگوهایی میان مسئولان و اندیشمندان شده، الزام حکومت به حجاب است. در این زمینه، نشست‌های علمی متعددی برگزار و مقالات زیادی نوشته شده است. با این حال، آنچه تاکنون در این نشست‌ها و نوشته‌ها مورد بررسی قرار گرفته، عمدتاً بر الزام یا عدم الزام حکومت به حجاب و این که آیا حکومت مجاز به جرم‌انگاری بی‌حجابی است یا خیر، متمرکز بوده است. به نظر می‌رسد که این رویکرد به بحث درباره وظیفه حکومت در قبال حجاب، یعنی کاهش موضوع به سطح فقه و حقوق کیفری، مناسب نیست. بلکه باید سطح بحث را ارتقا داده و مسئله را به شکلی جامع‌تر مطرح کرد. بنابراین، در این نوشتار به پرسش‌های زیر پرداخته خواهد شد: آیا سیاست‌های جنایی در حوزه حجاب و عفاف پاسخگو نیاز جامعه است؟ آیا سیاست‌های جنایی حوزه حجاب و عفاف کارایی مناسبی دارد؟



۲. سیاست جنایی

استاد دلماس سیاست جنایی را مجموعه‌ای از تدابیر، روش‌ها، اهداف و ابزارهایی تعریف می‌کند که جامعه برای مقابله با پدیده‌های مجرمانه به کار می‌گیرد. این تعریف به تنوع عملکرد جامعه اشاره دارد و نشان می‌دهد که کنشگران اصلی در این حوزه تنها دولت و نهادهای دولتی نیستند، بلکه شامل نهادهای اجتماعی، جامعه مدنی و شهروندان نیز می‌شود. همچنین، مقابله با پدیده‌های مجرمانه شامل انحراف و جرم است و به جرائم و بزهکاری‌های خُرد و کلان محدود نمی‌شود، بلکه انحرافات و تخلفات را نیز در بر می‌گیرد [1]. سیاست جنایی به مجموعه‌ای از تدابیر و روش‌ها اطلاق می‌شود که جامعه برای مقابله با بزهکاری به کار می‌گیرد. این سیاست شامل اقداماتی برای پیشگیری از وقوع پدیده‌های اجتماعی با ظرفیت جنایی و همچنین مقابله با رفتارهای مجرمانه است. سیاست جنایی به مدیریت و برنامه‌ریزی در تعامل و کنترل عوامل مؤثر بر وقوع جرم می‌پردازد و به پدیده‌های اجتماعی مانند جنایت، جنحه و تخلفات اداری نیز مرتبط است. بنابراین، هر پدیده اجتماعی که ممکن است به جرم منجر شود، در دامنه مطالعات سیاست جنایی قرار می‌گیرد.

۳. حجاب و عفاف

واژه حجاب در زبان فارسی معانی گوناگونی دارد که شامل پرده، نقاب، مانع، پوشش، چارقد، چارق، غشا و جلباب می‌شود. در لغت‌نامه دهخدا، این واژه از ریشه "حجب" به معنای بازداشتن، روگیری، عفاف، حیا و شرم تعریف شده است [2]. از نظر لغوی، حجاب به معنای "پوشاندن" و "نگه داشتن" است و در دیکشنری‌ها به عنوان پوشش و مانع شناخته می‌شود. در لغت‌نامه دهخدا، عفاف به معنای پارسایی، پرهیزگاری، نهفتگی، پاکدامنی و خویش‌داری تعریف شده است [2]. همچنین در فرهنگ فارسی معین، عفاف به معنای پارسایی و پاکدامنی ذکر شده و معمولاً با کسر اول تلفظ می‌شود [3]. عفت از واژه‌های عفه و عفافه گرفته شده و به معنای محدود کردن خود به چیزهای کم است. این مفهوم گسترده‌تر شده و به حالتی نفسانی اطلاق می‌شود که از غلبه شهوت بر انسان جلوگیری می‌کند. فرد عفیف با تمرین و تسلط بر شهوت به این وضعیت دست می‌یابد [4]. عفاف از جنبه‌های مختلفی مانند رفتار، گفتار و اندیشه قابل بررسی است. این مفهوم شامل پرهیز از نگاه‌های حرام، انتخاب پوشش مناسب، اعتدال در زینت و آرایش، میانه‌روی در تغذیه و حفظ عفت در شرایط اقتصادی می‌باشد. همچنین، اجتناب از کلام بیهوده و اندیشه‌های ناپسند نیز به عفت مربوط می‌شود. رعایت عفاف نقش مهمی در حفظ اعتدال انسانی و نزدیک شدن فرد به کمال و سعادت واقعی دارد [5].

در نتیجه، عفت به معنای کنترل قوه شهوانی و تسلط بر عقل است. البته این امر باید با رعایت اعتدال انجام شود؛ به این معنا که نه باید به شدت در شهوات غرق شویم و نه باید غرایز را به کلی نادیده بگیریم. بلکه باید از آن‌ها به شیوه‌ای صحیح و مشروع بهره‌برداری کنیم، زیرا خداوند متعال همه غرایز را با حکمت در وجود انسان قرار داده است [6]. برخی از پژوهشگران اخلاق بر این عقیده‌اند که مفهوم عفت دارای دو جنبه عمومی و خاص است. جنبه عمومی به معنای خودداری از هر نوع تمایل افراطی و نفسانی است، در حالی که جنبه خاص به خودداری از تمایلات بی‌قید و بند جنسی اشاره دارد. عفاف، بر اساس تعاریف مختلف، به معنای مدیریت و کنترل نیروهای شهوانی تحت هدایت عقل است. این مدیریت باید در چارچوب اعتدال صورت گیرد؛ به این شکل که نه باید در شهوات غوطه‌ور شویم و افراط کنیم، و نه باید غرایز را کاملاً نادیده گرفته و دچار تفریط شویم. بلکه لازم است از این غرایز به شکل صحیح و مشروع بهره‌برداری کنیم، چرا که خداوند حکیم همه این غرایز را با هدف و حکمت در وجود انسان قرار داده است [7]. از این رو، عفاف به معنای خویش‌داری است که با نشانه‌ها و علائم رفتاری و گفتاری مشخص می‌شود و وجود آن به وجود این نشانه‌ها وابسته است؛ بنابراین، حفظ عفاف بدون رعایت این نشانه‌ها ممکن نیست.



۴. سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف

عامل بنیادین در تدوین قوانین مرتبط با جرائم علیه امنیت، دیدگاه قانون‌گذار و سیاست کیفری است. برای فهم بهتر این مفهوم، ضروری است به بررسی سیاست جنایی، که پایه و اساس سیاست کیفری را تشکیل می‌دهد، بپردازیم. در این مطلب، علاوه بر پرداختن به مفهوم سیاست جنایی و اصول مرتبط با آن، هدف نهایی یعنی همان سیاست کیفری نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. مفهوم سیاست جنایی نخستین بار توسط فوئر باخ، استاد آلمانی، در سال ۱۸۰۳ معرفی شد. او سیاست جنایی را مجموعه‌ای از روش‌های سرکوبگرانه تعریف کرد که جامعه با پیش‌بینی و اجرای آن‌ها به مقابله با جرم و بزه می‌پردازد. بر این اساس، فوئر باخ اجزای مشخصی را برای سیاست جنایی تعیین کرده که شامل موارد زیر است: الف) سیاست جنایی بر ابزارهای تنبیهی و شیوه‌های پرخاشگرانه متکی است. ب) این سیاست دارای ماهیت قانونی و دولتی است، به این معنا که تنها تحت نظارت و اجرای حکومت اعمال می‌شود. ج) تمرکز اصلی آن بر مبارزه با جرائم است و به دیگر رفتارهای انحرافی که فاقد ضمانت اجرای جزایی هستند توجهی ندارد. د) پیشگیری از جرم صرفاً از طریق سرکوبگری و اعمال مجازات ممکن است [8]. سیاست جنایی در معنای گسترده‌اش تنها به اقدامات کیفری محدود نمی‌شود و شامل مشاوره‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر حوزه‌ها نیز می‌گردد. بر اساس این دیدگاه، سیاست جنایی شامل تمامی اقداماتی است که جامعه و دولت در مواجهه با جرم و انحراف انجام می‌دهند [9]. سیاست جنایی در مفهوم گسترده‌تر به سیاست عمومی کشور مرتبط است، جایی که نهادهای عمومی در سطوح مختلف، علاوه بر سیستم قضایی و پلیسی، در مدیریت و اجرا نیز تأثیرگذارند. مفهوم محدود سیاست جنایی، که به جرایم و مجازات‌ها می‌پردازد، در واقع همان سیاست کیفری است. سیاست‌های جنایی جمهوری اسلامی ایران در مورد حجاب و عفاف شامل چهار نوع اصلی: تقنینی، اجرایی، قضایی و مشارکتی است.

۴-۱. سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف

سیاست‌های قانونی مرتبط با حجاب و عفاف در ایران از سال ۱۳۶۰ آغاز شد. اولین قانون، مربوط به بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها بود که عدم رعایت حجاب اسلامی را مشمول مجازات‌هایی مانند توبیخ و اخراج قرار می‌داد. در سال ۱۳۶۲، قانون تعزیرات تصویب شد که بی‌حجابی را به عنوان تخلفی قابل مجازات با حداکثر ۷۴ ضربه شلاق معرفی کرد. همچنین، لباس‌های نامناسب نیز می‌توانند به عنوان مصادیق بی‌حجابی شناخته شوند و قانون‌گذار در تلاش است تا توزیع این نوع لباس‌ها را محدود کند. در سال ۱۳۶۵، قانونی تحت عنوان "نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌های خلاف شرع" تصویب شد که به عنوان گامی اولیه در تنظیم قوانین پوشش جامعه محسوب می‌شود. ماده ۲ این قانون بی‌حجابی را تخلف اعلام کرده و مجازات‌هایی مانند تذکر، توبیخ و تعطیلی محل کسب را برای آن در نظر گرفته است. با این حال، مجازات‌ها به طور متوازن اعمال نشده‌اند؛ تولیدکنندگان پوشاک غیرمتمعارف با مجازات‌های سبک‌تری مواجه‌اند، در حالی که مصرف‌کنندگان این لباس‌ها با مجازات‌های سنگین‌تری مانند شلاق روبرو هستند. این نابرابری در مجازات‌ها نشان‌دهنده اهمیت بیشتر نظارت بر تولیدکنندگان به دلیل نقش آن‌ها در ایجاد این معضل است [10].



مصوبه جدید وزارت کشور به معرفی مصادیق لباس‌ها و آرایش‌های غیرمجاز پرداخته است، از جمله استفاده از لوازم آرایشی خاص و لباس‌های نامناسب. این اقدام نشان‌دهنده مداخله حکومت در سلیقه‌های شخصی افراد است. در شرایط کنونی، کاهش رعایت حجاب و تغییرات در پوشش و آرایش جامعه مشهود است و نیاز به بازنگری جدی از سوی قانون‌گذاران دارد. بدون اقدامات فرهنگی مناسب، جرم‌انگاری این رفتارها تأثیرگذار نخواهد بود. بنابراین، لازم است که سازوکارهای قانونی و فرهنگی به‌طور هم‌زمان پیش بروند و تعالیم اخلاقی دین اسلام نیز در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارند. نظام آموزشی و رسانه‌ها نیز می‌توانند نقشی کلیدی ایفا کنند. اگر این نهادها به ارزش‌های اسلامی توجه بیشتری داشته باشند، اثربخشی آن‌ها در گسترش هنجارهای اجتماعی مطلوب، بیشتر از قوانین الزام‌آور خواهد بود. چراکه اعمال قدرت فاقد مشروعیت کافی بعضاً نتایجی معکوس به بار می‌آورد. شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در سال ۱۳۸۴ با تصویب قانونی برای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب تلاش‌هایی هدفمند انجام داد. این قانون وظایف مشخصی برای تمام نهادهای مؤثر، از جمله رسانه ملی و وزارت فرهنگ، تعیین کرده است. موفقیت این اقدامات مستلزم همکاری سازمان‌یافته، نظارت مستمر و اجرای کامل مصوبات است [11].

از دیگر اقدامات تأثیرگذار میتوان به آیین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب سال ۱۳۷۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب ۱۳۷۹ شورای عالی آموزش و پرورش، و قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ اشاره نمود. تمامی این مقررات بی‌حجابی را تخلف اعلام کرده و ضمانت‌های انضباطی متناسب در نظر گرفته‌اند. امروز موضوع بدحجابی نه تنها از منظر قانونی بلکه به‌عنوان یک معضل اجتماعی مورد توجه نخبگان، کارشناسان و عموم مردم قرار دارد. پس از انقلاب اسلامی، به دلیل آسیب‌پذیری‌های داخلی جامعه و تهدیدهای خارجی، انتقال فرهنگی مرتبط با حجاب دچار اختلال شد. حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله زمینه‌هایی هستند که در تفکر اسلامی اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. این توجه به اندازه‌ای قابل‌توجه است که یکی از وظایف اصلی دولت اسلامی، تأمین امنیت فراگیر جامعه محسوب می‌شود [12].

یکی از موضوعات کلیدی در این زمینه که نقش مؤثری در تضمین امنیت اخلاقی و اجتماعی دارد، مسئله حجاب و پوشش زنان در جامعه است. عدم رعایت پوشش مناسب و بی‌حجابی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی همچون افزایش آرایش‌های افراطی، تمایل به خودنمایی و جذب توجه را به همراه داشته باشد؛ امری که جوانان، به‌ویژه مردان، را در معرض تحریکات مداوم و هیجانات غیرواقعی قرار می‌دهد. علاوه بر این، بی‌حجابی می‌تواند اثرات مخربی بر بنیان خانواده بگذارد و موجب ناپایداری آن شود. گسترش برهنگی در جامعه ممکن است منجر به برهم‌زدن حریم خانواده و ایجاد فاصله میان اعضای آن شود. این وضعیت، با نگاه به زنان به‌عنوان کالایی مشترک در فضای عمومی، قداست و پاکی پیوند زناشویی را کمرنگ کرده و در نهایت تأثیری منفی بر کانون خانوادگی برجای می‌گذارد. حفظ حجاب نقش مهمی در تقویت ارتباطات خانوادگی، ایجاد آرامش روانی در جمع خانواده و جلوگیری از تشنجات ناشی از این چالش‌ها ایفا می‌کند [13].

از سوی دیگر، بی‌توجهی به پوشش مناسب، توان فعالیت اجتماعی زنان را کاهش داده و مانع مشارکت مؤثر آنان در عرصه‌های مختلف اجتماع می‌شود. این وضعیت ممکن است دسترسی جامعه به پیشرفت‌های علمی و فرهنگی را نیز محدود کند. در صورتی که زنان به فلسفه حجاب پی ببرند و با ایمان به مزایای عقلی و معنوی آن نسبت به رعایت این اصل اهتمام ورزند، توجه افراد از هوسرانی منحرف شده و تمرکز بیشتری روی ارتقای علمی و فرهنگی صورت می‌گیرد [12].



موضوع حجاب تأثیرات روانی قابل توجهی بر زنان، به عنوان یکی از ارکان مهم جامعه، دارد. روانشناسان معتقدند که ارتباط میان حجاب و سلامت روانی زنان فراتر از مسائل اخلاقی بوده و به نیازهای ذاتی و فطری آنان مرتبط است. انتخاب پوشش مناسب نقشی اساسی در رشد روانی، شکل‌گیری هویت انسانی و بلوغ شخصیتی زنان ایفا می‌کند. بی‌توجهی به این موضوع ممکن است روند رشد انسانی آنان را مختل کرده و آسیب‌های جدی به دنبال داشته باشد. با توجه به اهمیت این مسئله، ترویج فرهنگ حجاب در جامعه ضروری است تا از پیامدهای منفی احتمالی ناشی از بی‌حجابی جلوگیری شود. یکی از راهکارهای مهم در این مسیر، تدوین قوانین مناسب و ورود قانون‌گذار برای حمایت از ارزش‌های مرتبط با عفاف و حجاب است. بی‌حجابی به عنوان یک چالش اجتماعی مطرح بوده که گسترش آن نه تنها مشکلات فرهنگی ایجاد می‌کند، بلکه می‌تواند آسیب‌های عمیقی بر ساختار اجتماعی وارد نماید. در قوانین کیفری کشور، موضوع حجاب با حساسیت مورد توجه قرار گرفته است. عدم رعایت اصول مرتبط با حجاب و عفاف به عنوان یکی از نمودهای آسیب اجتماعی شناخته شده که برای مقابله با آن ضمانت‌های کیفری پیش‌بینی گردیده است. این رویکرد قانون‌گذار در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی طراحی شده، اما وجود بعضی خلأها و نقاط ضعف در این قوانین نشان می‌دهد که رفع این موارد می‌تواند در افزایش کارآمدی حمایت‌های قانونی مؤثر باشد. به‌کارگیری ضمانت‌های کیفری مناسب جهت مقابله با رفتارهای مغایر با فرهنگ عمومی عفاف و حجاب از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به تقویت جایگاه این ارزش‌ها در جامعه کمک کند و بستری مناسب برای حفاظت از سلامت روانی و هویت فرهنگی افراد فراهم آورد.

سیاست جنایی ایران با چالش‌های قانونی متعددی روبه‌رو بود که در نهایت این مشکلات برطرف شد. در تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۹۳، در حالی که اخبار مربوط به اسیدپاشی‌های مکرر در اصفهان در حال انتشار بود، نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» را با اکثریت آرا به تصویب رساندند. بر اساس این مصوبه، هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند به بهانه امر به معروف و نهی از منکر، اقدام به اعمال مجرمانه‌ای چون توهین، افترا، ضرب و جرح یا قتل کند. به موازات این طرح، طرح دیگری تحت عنوان «صیانت از حریم عفاف و حجاب» نیز به هیئت رئیسه مجلس ارائه شد. این طرح مجازات‌هایی مانند جریمه و حبس را برای بدحجابی و استفاده از آنتن ماهواره در نظر گرفته است. همچنین، در حوزه عفاف و حجاب، علاوه بر مقررات قبلی، جریمه‌های نقدی و الزام به حضور در دوره‌های آموزشی نیز به قوانین اضافه شده‌اند [10].

سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس، این موضوع را دارای جنبه‌های مجرمانه و مجازات‌های مشخص می‌داند و تأکید می‌کند که این طرح باید به‌طور کامل در کمیسیون قضایی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، شایان ذکر است که شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۸۴ قانونی تحت عنوان «راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» در این زمینه تصویب کرده است. با این حال، موضوع حجاب در ایران اسلامی همچنان به عنوان یک مسئله مشترک برای تمامی نهادها مطرح است و بیشترین تأثیر آن بر زنان احساس می‌شود. این‌گونه به نظر می‌آید که ارتباط این موضوع با وضعیت زنان، باعث شده در گزارش دوره‌ای شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره ایران (آبان ۱۳۹۳/اکتبر ۲۰۱۴)، بیشترین تعداد توصیه‌ها به جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر مسائل مرتبط با اعدام و اقلیت‌ها، به شرایط زنان اختصاص پیدا کند. انقلاب اسلامی ایران، با وجود ماهیت اسلامی‌اش، نمی‌تواند نسبت به مسأله پوشش بی‌تفاوت بماند. هرچند در آغاز تأسیس ممکن است مدتی این موضوع را نادیده بگیرد [14]. اما در طول زمان باید موضع خود را در قبال شهروندانی که پوشش‌های متفاوتی دارند، مشخص کند. حجاب و حکومت از جمله مسائلی هستند که در دنیای پست‌مدرن به بحث گذاشته می‌شوند، در حالی که در دولت‌های مدرن و حتی کلاسیک، چنین حساسیتی وجود نداشته است.



در مورد جمهوری اسلامی ایران، موضوع اجبار حجاب از سوی کشورهای مسلمان دیگر مورد بررسی و تردید قرار گرفته است، زیرا این رویکرد به طور کلی در هیچ کشور اسلامی به عنوان قانونی اجباری و دائمی اجرا نشده است. امروزه مفهوم سیاست جنایی از معنای محدود خود که تنها به جرم و مجازات می پردازد، فراتر رفته و شامل موضوعاتی می شود که نمی توان به طور صریح در حوزه کیفر قرار داد. این تغییر به دلیل ناتوانی نظام کیفری در مواجهه با این چالش ها رخ داده است. سازوکارهای جدیدی که در نظام های جنایی جهان پذیرفته شده اند، نتیجه ورود مسائل نوین به عرصه کیفری و ناکارآمدی واکنش های صرفاً کیفری در حل این مشکلات هستند. از این رو، سیاست جنایی کنونی با رویکردی متعادل، دخالت دولت را در حوزه های مختلف محدود کرده و به جای تکیه بر ضمانت اجرای کاملاً دولتی، استفاده از مدل های ترمیمی را در ساختار نظام جزایی مورد تأکید قرار می دهد.

ماده ۲ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آن ها در ملاء عام مخالف شرع است یا موجب جریحه دار شدن عفت عمومی می شود، که در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۶۵ تصویب شده و بعدها اصلاحات و الحاقاتی بر آن اعمال شده است، در شرایطی که این قانون حکم جدیدی ارائه نداده باشد، همچنان اعتبار خود را حفظ خواهد کرد. ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، به همراه تبصره مربوطه، مورد بررسی و نقد گرفته شد. بر اساس ماده ۵۹ قانون عفاف و حجاب و با استناد به مبانی شرعی و اصل هشتم قانون اساسی، انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر به شکل زبانی در موضوعاتی چون پوشش و حجاب، وظیفه اجتماعی تمامی افراد جامعه است. هیچ فردی نمی تواند برای عمل به این وظیفه شرعی مورد بازخواست قرار گیرد. با این حال، انجام این وظیفه باید با رعایت تمامی شرایط آن، از جمله عدم وجود مفسده، صورت پذیرد. افرادی که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر درباره عدم رعایت حجاب شرعی، کشف حجاب یا بدپوششی، اقدام به توهین یا افترا کنند، مطابق قانون مجازات خواهند شد. همچنین اگر شخصی در مقابل اجرای امر به معروف و نهی از منکر قانونی و شرعی درباره عفاف و حجاب به توهین یا پرخشگری روی آورد، موظف به پرداخت جزای نقدی درجه پنج خواهد بود. در راستای برخورد قاطع با ترویج دهندگان فرهنگ های منحط و مغایر با شؤون اسلامی، بر اساس مصوبه ۴/۳/۱۳۷۲، ضرورت دارد که مراجع قضایی به این موضوع توجه ویژه ای داشته باشند. در رسیدگی به جرایم افرادی که اعمالشان مشمول ماده ۱۰۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و بند یک ماده ۱۰۴ آن و همچنین تبصره یک ماده ۵ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات فروشندگان لباس هایی که استفاده از آن ها خلاف شرع و یا موجب جریحه دار شدن عفت عمومی است، قرار می گیرد، در صورت احراز وقوع جرم، مرتکبین باید به اشد مجازات قانونی محکوم شوند. این اقدام به منظور جلوگیری از اشاعه و ترویج ویژگی های تخریبی و ضد اسلامی صورت می گیرد.

اصول و مبانی اجرایی توسعه فرهنگ عفاف و حجاب، مصوبه شماره ۴۸۷۲ به تاریخ ششم اسفندماه ۱۳۷۶ (تصویب شده در جلسات ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲ و ۴۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی در پاییز و زمستان همان سال)، با هدف تقویت هماهنگی و انسجام میان دستگاه های مختلف در اجرای برنامه های مرتبط با این موضوع تدوین شده است. این مصوبات بر مبنای اهمیت عفاف و حجاب به عنوان نمادهای ایمان و تقوا، به شکلی گسترده بر آموزش و ترویج ارزش ها و اصول اخلاقی تأکید دارند. ضعف در رعایت اصول عفاف و حجاب ممکن است ناشی از ابعاد اجتماعی و اقتصادی مانند اشرافی گری یا تجمل پرستی از یک سو و فقر یا مشکلات معیشتی از سوی دیگر باشد. همچنین سختی های مسیر ازدواج شرعی و ایجاد خانواده از عوامل تأثیرگذار محسوب می شود؛ بنابراین، پرداختن به این چالش ها می تواند راه را برای تقویت فرهنگ عفاف و حجاب هموارتر سازد.



در توسعه فرهنگ عفاف، فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی، و تبلیغاتی باید در راستای شکل‌گیری فضایی اجتماعی باشد که مردم - به‌ویژه جوانان - با رغبت و علاقه شخصی به رعایت این اصول بپردازند. از اقدامات خشونت‌آمیز یا برخوردهای توهین‌آمیز که ممکن است نگرش منفی نسبت به اسلام یا نظام اسلامی ایجاد کند، باید پرهیز شود. درعین‌حال باید مسئولیت‌های مردان نیز در کنار زنان موردتوجه قرار گیرد؛ چراکه عفاف مسئله‌ای مشترک برای هر دو جنس است. تاکید بر شأن انسانی زنان و ارزشمندی پوشش آن‌ها در تبلیغات فرهنگی، ادبیات، و هنر اهمیت ویژه‌ای دارد. برنامه‌های آموزشی مرتبط با مخاطبان باید مطابق مقتضیات سنی و فرهنگی طراحی شوند تا از بدآموزی یا نشر ناهنجاری جلوگیری شود. تمامی اقدامات باید هماهنگ و تحت نظارت مداوم برگزار شوند تا از بروز انحرافات جلوگیری شود.

مدیران فرهنگی، اجرایی و مسئولان نهادهای ذی‌ربط باید حساسیات لازم را نسبت به رعایت الزامات عفاف داشته باشند. طراحی محیط کار، مراکز آموزشی و خدماتی، معماری شهری، برنامه‌های اجتماعی و حتی نوع لباس باید به‌گونه‌ای باشد که بدون افراط یا تفریط از اختلاط یا تعارضات غیراخلاقی پیشگیری کند. استفاده از چادر به‌عنوان کامل‌ترین نوع حجاب اسلامی ترویج گردد؛ اما الزام همگان به استفاده از نوع خاص یا تحمیل موارد خلاقانه دیگر نباید مدنظر قرار گیرد. برای تسهیل رعایت حجاب، باید سازوکارهایی برای دسترسی آسان به چادر یا پوشش‌های مناسب ایجاد شود تا تلاش برای احقاق این ارزش فرهنگی با موانع مادی روبه‌رو نگردد. شورای عالی انقلاب فرهنگی این موارد را طی ۱۶ بند در جلسه شماره ۴۱۳ مصوب کرد که اجرای آن مراحل نظارتی خود را طی می‌کند.

قانون حجاب و عفاف ۱۴۰۳، در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ و همزمان با تصویب مدت اجرای آزمایشی لایحه حجاب و عفاف در صحن علنی مجلس، متن نهایی خود را منتشر کرد. این لایحه ابتدا توسط قوه قضاییه تهیه و به تصویب هیئت دولت رسید و سپس در خرداد ماه ۱۴۰۲ تحت عنوان «لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب» به مجلس شورای اسلامی ارسال شد این لایحه باید مراحل قانونی خود را طی کند. در این مرحله، گروه‌های حامی حجاب این لایحه را ناکافی و سهل‌گیرانه ارزیابی کرده و به آن اعتراض کردند. به همین دلیل، دولت تغییراتی در آن اعمال کرد. نسخه جدید قانون حجاب و عفاف در تاریخ ۹ خرداد ۱۴۰۲ به مجلس شورای اسلامی ارسال و جایگزین نسخه اولیه شد. در این مرحله، کمیسیون حقوقی مجلس تغییرات قابل توجهی در این لایحه ایجاد کرد و متن آن را از ۱۵ ماده به ۷۰ ماده افزایش داد. برای نخستین بار، مقررات مربوط به پوشش و لباس مردان نیز در این متن مشخص شد و مجازات‌ها و جریمه‌های متعددی برای متخلفان تعیین گردید. این اقدام ممکن است به این دلیل باشد که برخی بی‌حجابی را عامل بسیاری از جرایم، از جمله تعرض و تجاوز جنسی می‌دانند. همچنین، این کمیسیون این لایحه را به عنوان لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب نام‌گذاری کرد. متنی که به تصویب کمیسیون قضایی مجلس رسید، با انتقادات زیادی مواجه شد.

جالب اینجاست که تهیه‌کنندگان این متن تصمیم گرفتند آن را به صورت غیرعلنی در کمیسیون مشترک تصویب کنند. در ادامه، درخواستی برای تصویب لایحه حجاب بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی مطرح شد که با موافقت نمایندگان مجلس همراه بود. بخشی از اصل ۸۵ قانون اساسی به این نکته اشاره دارد که سمت نمایندگی به شخص خاصی وابسته نیست و بنابراین نمی‌توان آن را به دیگری واگذار کرد. به عبارت دیگر، مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به فرد یا هیأتی دیگر منتقل کند.



اما طبق این ماده، در شرایط ضروری، مجلس می‌تواند با رعایت اصل ۷۲ قانون اساسی، اختیار وضع برخی از مقررات را به کمیسیون‌های داخلی خود واگذار کند. در مورد جدیدترین سیاست‌های جنایی تقنینی ایران، می‌توان به این نکته اشاره کرد که برای نخستین بار، مقررات مربوط به پوشش و لباس مردان نیز تعیین شده و مجازات‌ها و جریمه‌های متعددی برای متخلفان در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد که برخی افراد بی‌حجابی را عاملی برای بروز جرایم مختلف، از جمله تعرض و تجاوز جنسی می‌دانند. همچنین، این کمیسیون این لایحه را تحت عنوان "لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب" نامگذاری کرده است.

در سال ۱۴۰۳، قانون حجاب مجازات‌های مربوط به انواع بی‌حجابی را مشخص کرد. این مجازات‌ها در تاریخ قانونگذاری کشور ما بی‌سابقه است و به حدی سنگین است که با جرایم خشن و غیرانسانی مانند آدم‌ربایی مقایسه می‌شود. در این قانون حتی برای کودکان زیر ۱۵ سال و نوجوانان زیر ۱۸ سال نیز مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است.

۲-۴. سیاست جنایی اجرایی در قبال حجاب و عفاف

سیاست جنایی اجرایی در زمینه حجاب و عفاف از ابتدا بر پایه امر به معروف و نهی از منکر استوار بوده است. در این خصوص، اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند: "دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل است که بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت قرار دارد. شرایط، حدود و کیفیت این امر توسط قانون تعیین می‌شود." امام خمینی در سال ۱۳۵۸ در پیامی به شورای انقلاب، خواستار ایجاد نهادی مستقل از دولت شد که دارای شعبی در سراسر کشور باشد و بر تمامی فعالیت‌های دولت اسلامی و اقشار مختلف مردم نظارت کند [15]. در سال ۱۳۷۲، مقام معظم رهبری به منظور اجرایی کردن اصل هشتم قانون اساسی، فرمان تأسیس ستادی با نام "ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر" را صادر کردند. در ادامه، در سال ۱۳۸۳، آیین‌نامه‌ای تحت عنوان "آیین‌نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی" در قوه قضائیه تصویب شد که وظیفه اصلی آن در حوزه امر به معروف و پیشگیری از جرم تعریف شده بود.

به علاوه، در سال ۱۳۸۴ شورای فرهنگ عمومی مصوبه‌ای با عنوان "راهکارهای اجرای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب" تهیه کرد که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. همچنین، پژوهشکده‌هایی در سال ۱۳۸۹ تحت نظارت ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر در قم راهاندازی شدند تا به بررسی تخصصی این موضوع بپردازند. با توجه به مشکلات پیش‌آمده در اجرای این احکام و نیاز به بازنگری در ضوابط موجود، مجلس شورای اسلامی بارها طرح‌های مرتبطی ارائه کرد. از جمله این طرح‌ها می‌توان به موضوع "حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر" اشاره کرد که در تاریخ‌های ۸۹/۰۳/۰۲ و ۹۱/۰۴/۲۰ به صورت یک فوریتی مطرح شدند، اما به نتیجه نرسیدند. در نهایت، در تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۱ نمایندگان مجلس بار دیگر این طرح را با قید دو فوریت پیشنهاد دادند که در نهایت با یک فوریت آن موافقت شد. این طرح در جلسه علنی مورخ ۹۴/۰۱/۲۳ به تصویب نهایی رسید و شورای نگهبان نیز آن را در تاریخ ۹۴/۰۲/۰۲ تأیید کرد. سرانجام، رئیس مجلس این قانون را در تاریخ ۹۴/۰۲/۰۹ به رئیس‌جمهور ابلاغ نمود [16].



این قانون با تمرکز بر مجازات عدم رعایت حجاب و عفاف، به ویژه در تعامل با نهادهای انتظامی و اجرایی، منجر به ایجاد اقداماتی نظیر تأسیس گروه‌های ارشاد شده است. مأموریت‌های این گروه‌ها شامل شناسایی و برخورد با متخلفان در زمینه حجاب و همچنین حضور نیروهای انتظامی در فضاهای عمومی و نظارت بر رفتار اجتماعی افراد می‌باشد که بخش مهمی از این سیاست‌ها را تشکیل می‌دهد. نهادهای اجرایی با تأکید بر اهمیت نقش خود در آموزش، فرهنگ‌سازی و توانمندسازی افراد، نتوانسته‌اند به اهداف بلندمدت دست یابند. اقدامات آن‌ها غالباً به صورت ظاهری و تبلیغاتی انجام شده و تأثیر لازم بر باورها و رفتارهای مردم را نداشته است. این ناکامی به عوامل مختلفی از جمله عدم وجود برنامه‌های جامع آموزشی و بی‌توجهی به تغییرات اجتماعی برمی‌گردد. همچنین، رویکرد یک‌بعدی به مسائل حجاب، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بر رفتارهای فردی تأثیر می‌گذارند، نتایج معکوسی به همراه داشته است. علاوه بر این، ابهام و تناقض در قوانین مربوط به حجاب و نحوه اجرای آن، موجب سردرگمی میان مردم و مجریان قانون شده است. بسیاری از شهروندان نمی‌دانند که چه مواردی به عنوان عدم رعایت حجاب شناخته می‌شود. این وضعیت به تنش‌های اجتماعی دامن زده و برخوردهای تند و سلیقه‌ای نیروهای اجرایی با مردم، تصاویری منفی از سیاست‌های حجاب ایجاد کرده و اعتماد عمومی را تحت تأثیر قرار داده است [17].

در سال ۱۴۰۳، قانون «حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» با ۷۴ ماده و در ۵ فصل تصویب شد. فصل اول به تعاریف کلی اختصاص دارد، فصل دوم به وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی می‌پردازد، فصل سوم به تکالیف خاص اشاره دارد، فصل چهارم مسئولیت‌های اجتماعی را بررسی می‌کند و فصل پنجم به جرائم و تخلفات مربوط می‌شود. نهادهای مختلف مسئولیت فرهنگ‌سازی و حمایت از خانواده را بر عهده دارند و موظف به آموزش سبک زندگی اسلامی هستند. سازمان اداری و استخدامی کشور موظف است حداکثر ظرف سه ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، با همکاری مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، محتوای آموزشی مرتبط با این ماده را بر اساس احکام این قانون و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه عفاف و حجاب تهیه کرده و به شورای مذکور ارسال کند. نظرات اصلاحی این شورا برای آن سازمان الزامی است. عدم اعلام نظر شورای مذکور در مدت حداکثر سه ماه، مانع از اجرای محتوای آموزشی یادشده نخواهد بود. دستگاه‌های اجرایی باید با سازمان تبلیغات اسلامی، برنامه‌های تبیین سبک زندگی اسلامی خانواده‌محور و فرهنگ عفاف و حجاب طراحی و اجرا کنند. آنها موظفند سنجش‌های ارزیابی و اثربخشی را ظرف سه ماه تهیه و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال کنند. همچنین، برنامه اقدام سالانه در حوزه عفاف و حجاب باید در ابتدای خردادماه ارائه و به تصویب وزرای ستاد برسد. بنابراین در زمینه سیاست جنایی مرتبط با حجاب و عفاف، عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، اجرای ناقص قوانین و غفلت از راهبردهای پیشگیرانه به عنوان عوامل اصلی شناسایی شده‌اند. همچنین، تمرکز بر برخوردهای قهری به جای روش‌های اقناعی و عدم ارزیابی مستمر سیاست‌ها از دیگر چالش‌های موجود در این حوزه است که به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای اجرایی منجر شده است.

۳-۴. سیاست جنایی قضایی در قبال عفاف و حجاب



سیاست جنایی قضایی ایران در حوزه حجاب و عفاف بر اساس قوانین اسلامی و احکام شرعی شکل گرفته و اجرای آن عمدتاً بر مبنای تفسیر فقهی از مقررات مربوط به پوشش و عفاف انجام می‌شود. این سیاست در عمل شامل تصویب قوانین الزامی در زمینه حجاب، تعیین مجازات برای تخلفات مرتبط و ایجاد نهادها و سازوکارهای اجرایی مانند گشت‌های ارشاد، نظارت بر رسانه‌ها و تدوین برنامه‌های فرهنگی و آموزشی است. به‌ویژه، قوانین مربوط به حجاب و عفاف در قانون مجازات اسلامی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و سیاست‌های کلی نظام به وضوح دیده می‌شود. سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه حجاب بیشتر بر استفاده از ابزارهای کیفری و برخورد قهری تمرکز دارد. این رویکرد شامل جرمه‌های نقدی، مجازات‌های اجتماعی و حتی حبس برای مواردی است که تخلف از قوانین مربوط به حجاب و عفاف شدت یافته باشد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که رویکرد کیفری و تأکید بر مجازات در سیاست جنایی ایران در زمینه حجاب و عفاف، یکی از ویژگی‌های بارز این سیاست است که بر پایه ابزارهای تنبیهی برای کنترل رفتارهای اجتماعی شکل گرفته است [18].

این رویکرد از قوانین موجود، رویه‌های قضایی و اقدامات اجرایی ناشی می‌شود و محور اصلی آن استفاده از مجازات‌های کیفری به عنوان راهکاری برای مقابله با بدحجابی و نقض قوانین مرتبط با عفاف است. در این سیاست، قوانین و اقدامات دستگاه قضایی و انتظامی عمدتاً بر اساس برخورد قهری با متخلفان طراحی شده‌اند، به گونه‌ای که مجازات به عنوان ابزار اصلی برای تضمین رعایت قوانین اجتماعی به کار گرفته می‌شود. قوانین مرتبط با حجاب در ایران، مانند ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، بدحجابی را به عنوان جرم تعریف کرده و برای آن مجازات‌هایی نظیر حبس یا جزای نقدی پیش‌بینی کرده‌اند. این ماده به قضات این امکان را می‌دهد که با شناسایی رفتارهای مغایر با حجاب شرعی، به اعمال مجازات بپردازند. علاوه بر این، آیین‌نامه‌های اجرایی و دستورات مقامات عالی قضایی بر ضرورت افزایش نظارت‌ها و برخورد قاطع با متخلفان تأکید دارند. به همین دلیل، سیاست جنایی قضایی در این حوزه همواره به دنبال اعمال مجازات‌های سختگیرانه به منظور ایجاد بازدارندگی بوده است. این تمرکز بر مجازات، به ویژه در تعامل با نهادهای انتظامی و اجرایی، منجر به شکل‌گیری اقداماتی مانند تشکیل گشت‌های ارشاد شده است که وظیفه اصلی آن‌ها شناسایی و برخورد با متخلفان در زمینه حجاب است. حضور گسترده نیروهای انتظامی در فضاهای عمومی و مداخله مستقیم آن‌ها در مسائل اجتماعی، بخش مهمی از این سیاست را تشکیل می‌دهد. این اقدامات معمولاً با معرفی متخلفان به دستگاه قضایی و تشکیل پرونده‌های کیفری برای آن‌ها ادامه می‌یابد. این وضعیت باعث شده است که محاکم قضایی نیز تحت تأثیر این رویکرد، در بسیاری از پرونده‌ها به مجازات‌های سنگین مانند حبس یا جریمه نقدی روی آورند [19].

یکی از جنبه‌های دیگر این سیاست، تلاش برای گسترش مفهوم حجاب و عفاف به حوزه‌های مختلف رفتارهای اجتماعی است. به عبارت دیگر، سیاست جنایی و قضایی به جای تمرکز صرف بر موارد بارز نقض حجاب شرعی، به جزئی‌ترین رفتارهای فردی نیز واکنش کیفری نشان می‌دهد. این رویکرد موجب شده است که حجاب و عفاف از یک مسئله فرهنگی و اجتماعی به موضوعی قضایی و کیفری تبدیل شود و برای اجرای آن، منابع انسانی و مالی قابل توجهی از نهادهای قضایی و انتظامی اختصاص یابد.



با وجود تأکید شدید بر مجازات و کیفر، این رویکرد با چالش‌های اساسی مواجه است. از یک سو، به دلیل تمرکز بر مجازات‌های قهری، این سیاست معمولاً تأثیرات کوتاه‌مدت و ظاهری بر رفتارهای اجتماعی دارد و در بلندمدت نتوانسته است تغییرات پایداری در نگرش‌ها و رفتارهای عمومی ایجاد کند. از سوی دیگر، اجرای این سیاست‌ها، به ویژه در مواردی که با رفتارهای تهاجمی و سختگیرانه همراه بوده، موجب افزایش نارضایتی عمومی و کاهش مشروعیت نهادهای قضایی و انتظامی شده است. برخی از شهروندان این رویکرد را به عنوان دخالت مستقیم در حقوق و آزادی‌های فردی خود می‌دانند و آن را با اصول عدالت اجتماعی و حقوق بشر در تضاد می‌انگارند. حجم بالای پرونده‌های مربوط به بدحجابی فشار زیادی بر سیستم قضایی وارد کرده و باعث شده است که منابع موجود به جای رسیدگی به جرائم مهم‌تر، به این پرونده‌ها اختصاص یابند. همچنین، نبود معیارهای دقیق و شفاف در تعریف جرم بدحجابی موجب سردرگمی قضات و مأموران اجرایی شده و احتمال اعمال سلیقه‌ای قوانین را افزایش داده است [20].

این رویکرد کیفری به جای تمرکز بر ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مسئله حجاب، تنها به جنبه‌های ظاهری آن می‌پردازد و با اتخاذ موضعی قهری، از روش‌های پیشگیرانه و ترمیمی غفلت می‌کند. در نتیجه، تمرکز بر مجازات در سیاست جنایی ایران در زمینه حجاب و عفاف نه تنها تأثیرگذاری لازم را نداشته، بلکه با پیامدهای منفی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و قضایی نیز همراه بوده است.

۴-۴. سیاست جنایی مشارکتی در قبال عفاف و حجاب

سیاست جنایی مشارکتی به بررسی تأثیر و نقش جامعه مدنی در سیاست جنایی یک کشور می‌پردازد و توجه خود را بر نقش‌هایی که به بزه‌کار، بزه‌دیده و کل جامعه داده می‌شود متمرکز می‌کند. پاسخ‌هایی که جامعه مدنی از طریق این سه عنصر ارائه می‌دهد، به پاسخ‌های جامعه شهرت دارند [21]. بدین ترتیب، سیاست جنایی مشارکتی نمادی از همکاری متقابل میان جامعه مدنی، نهادها، ابزارهای اجرایی، پلیس و دستگاه قضائی برای مقابله با پدیده‌های مجرمانه است. چنین همکاری‌هایی، در کنار تضمین اعتبار طرح‌ها و برنامه‌های تنظیم‌شده توسط قوای مقننه و مجریه، به معنی مشارکت فعال مردم در کنترل و کاهش جرایم نیز هست. در عمل، سیاست جنایی مشارکتی تأکید دارد که چگونه جامعه به همراه بزه‌کار و بزه‌دیده می‌توانند اقدامات مؤثری برای کاهش تدریجی و از بین بردن جرائم انجام دهند. در رابطه با بی‌حجابی و بدحجابی نیز، اجرای سیاست جنایی مشارکتی نقشی کلیدی دارد. تمامی اقدامات طراحی‌شده توسط نهادهای اجتماعی و مدنی برای پیشگیری یا مقابله با این مسائل از اهمیت زیادی برخوردار هستند. هرچند در شرایط کنونی از این سیاست‌ها برای کنترل بی‌حجابی بهره گرفته می‌شود، اما قابل مشاهده است که این اقدامات کافی نبوده و توجه بیشتری از سوی قانون‌گذار به این موضوع لازم است. حجاب به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، نیازمند ارزش‌گذاری درست در سطح جامعه است. نقش نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مردمی در این فرایند انکارناپذیر است. اگر بی‌حجابی توسط افراد جامعه به‌عنوان یک ارزش شناخته شود، حتی سخت‌گیرترین قوانین کیفری نیز توان متقاعد کردن فرد به رعایت حجاب را نخواهند داشت. نظام ارزش‌گذاری اجتماعی و الگوسازی‌های مناسب همراه با همیاری سازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند تأثیرگذاری بالایی در مسئله بی‌حجابی داشته باشد.



سیاست جنایی مشارکتی نه تنها شامل اقدامات حمایتی است، بلکه ابعاد پیشگیرانه آن نیز بسیار اهمیت دارد. بدین معنا که باید قبل از وقوع جرم دست به اقدامات پیشگیرانه زد و پس از آن نیز از اقداماتی که به حمایت از افراد متهم می‌پردازد غافل نشد. اگر پیشگیری به‌درستی انجام پذیرد، انرژی و هزینه کمتری صرف اقدامات حمایتی خواهد شد. هدف اصلی این سیاست، دستیابی به امنیت و تحقق عدالت است که تنها با مشارکت مردم امکان‌پذیر می‌شود. اجرای صحیح برنامه‌های پیشگیرانه همچنین می‌تواند نیاز به مداخلات حمایتی را کاهش دهد یا آن را به حداقل برساند. در مورد جرم بی‌حجابی همانند سایر جرایم، پیشگیری نقش پراهمیت‌تری نسبت به حمایت پس از وقوع جرم دارد؛ چراکه نتایج سریع‌تر و اثربخشی بیشتری خواهد داشت. البته این رویکرد نباید به معنای کنارگذاشتن اقدامات حمایتی برداشت شود. در سیاست جنایی مشارکتی باید هر دو دسته اقدامات پیشگیرانه و حمایتی در کنار هم اجرایی شوند. مدل جامع مدیریت راهبردی در سیاست جنایی مشارکتی شامل اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم و اقدامات حمایتی است. همچنین برای جلوگیری از تکرار جرم؛ حمایت از متهم در جریان بررسی قضائی، حمایت حین اجرای مجازات، حمایت پس از اتمام دوره مجازات و خاتمه حکم ضرورت دارند [22].

در سیاست جنایی مشارکتی، که به همکاری افراد و نهادهای مختلف جامعه اشاره دارد، نقش مردم، نهادهای مدنی و رسانه‌های جمعی به عنوان ابزارهای تقویتی در کنار نیروی انتظامی و ضابطین قوه قضاییه برای پیشبرد و اعتباربخشی به طرح‌های سیاست جنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. مشارکت مردم در اجرای سیاست‌های جنایی نه تنها به تسهیل این فرآیند کمک می‌کند، بلکه نشان‌دهنده این است که پیشگیری و مقابله با بزهکاری و همچنین حمایت از بازپروری بزهکاران و کاهش مشکلات آن‌ها و خانواده‌هایشان، مسائلی هستند که به تمامی اعضای جامعه مربوط می‌شود [22].

یکی از موضوعات اساسی در سیاست جنایی، پیشگیری از وقوع جرم است. این رویکرد به عنوان یکی از راهکارهای بنیادی برای پیشگیری از ارتکاب جرم توسط افراد تلقی می‌شود و به‌ویژه در اصلاح رفتارها و رفع ناهنجاری‌های اجتماعی تاثیر چشمگیری دارد. برخی صاحب‌نظران حقوقی، پیشگیری را در معنای عام به استفاده از روش‌های متنوع برای جلوگیری از بزهکاری تعریف کرده‌اند. در پیشگیری به معنای خاص، تنها سازوکارهای سیاست جنایی مدنظر قرار می‌گیرند که پیش از وقوع جرم به کار گرفته می‌شوند و هدف آن‌ها کاهش وقوع جرم است. این اقدامات جنایی، به جز تدابیر کیفری که هدف اصلی‌شان محدود کردن امکان وقوع انواع خاصی از جرائم است، در واقع در معنای خاص پیشگیری به دنبال کاهش وقوع جرم از طریق روش‌های غیرقهرآمیز و اجتماعی هستند.



۵. نتیجه گیری

با بررسی روند پوشش بانوان در سال‌های اخیر، مشاهده می‌شود که عدم رعایت حجاب و عفاف به دلایل مختلف و به شیوه‌های گوناگون در حال افزایش است. مقاله حاضر به ارزیابی و تحلیل انواع سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در قبال حجاب و عفاف پرداخته است که به عنوان بهترین رویکرد در این زمینه مطرح می‌شود. در سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی در قبال حجاب و عفاف تاکنون قوانین زیادی به تصویب رسیده است. در مورد جدیدترین سیاست‌های جنایی تقنینی ایران، باید اشاره کرد که در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۲، همزمان با تصویب مدت اجرای آزمایشی لایحه حجاب و عفاف در صحن علنی مجلس، متن نهایی قانون عفاف و حجاب نیز منتشر شد. این لایحه ابتدا توسط قوه قضاییه تهیه و به تصویب هیئت دولت رسید و سپس در خرداد ماه ۱۴۰۲ تحت عنوان «لایحه حمایت از فرهنگ عفاف و حجاب» برای طی مراحل قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال گردید. در این مرحله، گروه‌های حامی حجاب این لایحه را ناکافی و سهل‌گیرانه ارزیابی کرده و به آن اعتراض کردند. به همین دلیل، دولت تغییراتی در متن لایحه ایجاد کرد. نسخه جدید و اصلاح‌شده قانون حجاب و عفاف در تاریخ ۹ خرداد ۱۴۰۲ به مجلس شورای اسلامی ارسال و جایگزین نسخه اولیه شد. در این مرحله، کمیسیون حقوقی مجلس تغییرات قابل توجهی در این لایحه اعمال کرد و تعداد مواد آن را از ۱۵ به ۷۰ ماده افزایش داد. در این متن برای نخستین بار، مقررات مربوط به پوشش و لباس مردان نیز مشخص شده و مجازات‌ها و جریمه‌های متعددی برای متخلفان تعیین گردیده است. به نظر می‌رسد که این اقدام به دلیل این باور است که برخی بی‌حجابی را عامل بسیاری از جرایم، از جمله تعرض و تجاوز جنسی می‌دانند. همچنین، این کمیسیون این لایحه را تحت عنوان «لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» نام‌گذاری کرده است.

در زمینه سیاست جنایی مرتبط با اجرای حجاب و عفاف، عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، اجرای ناقص قوانین و غفلت از راهبردهای پیشگیرانه به عنوان عوامل اصلی شناسایی شده‌اند. تمرکز بر برخوردهای قهری به جای روش‌های اقناعی و عدم ارزیابی مستمر سیاست‌ها نیز از دیگر چالش‌های موجود در این حوزه است که به کاهش اعتماد عمومی به نهادهای اجرایی منجر شده است. رویکرد کیفری و تأکید بر مجازات در سیاست جنایی قضایی ایران در زمینه حجاب و عفاف، یکی از ویژگی‌های بارز این سیاست است که بر اساس ابزارهای تنبیهی برای کنترل رفتارهای اجتماعی شکل گرفته و این رویکرد از قوانین موجود، رویه‌های قضایی و اقدامات اجرایی ناشی می‌شود. محور اصلی این سیاست، استفاده از مجازات‌های کیفری به عنوان راهکاری برای مقابله با بدحجابی و نقض قوانین مرتبط با عفاف است. در این سیاست، قوانین و اقدامات دستگاه قضایی و انتظامی عمدتاً بر پایه برخورد قهری با متخلفان طراحی شده‌اند و مجازات به عنوان ابزار اصلی برای تضمین رعایت قوانین اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سیاست جنایی مشارکتی شامل اقدامات پیشگیرانه و حمایتی است؛ به عبارت دیگر، باید هم قبل از وقوع جرم به فکر چاره و درمان بود و هم پس از آن. اگر پیشگیری به درستی انجام شود، انرژی کمتری برای اقدامات حمایتی صرف خواهد شد. هدف این سیاست، دستیابی به امنیت و عدالت با مشارکت مردم در پیشگیری و حمایت از افراد متهم است. اگر بتوانیم اقدامات پیشگیرانه را به درستی در کشور پیاده‌سازی کنیم، ممکن است دیگر نیازی به اقدامات حمایتی نباشد یا حداقل به دلیل کاهش جرم، نیاز به این اقدامات کمتر شود. در مورد بزه بی‌حجابی، همانند سایر جرایم، پیشگیری به مراتب مؤثرتر و سودمندتر است و ما را سریع‌تر به نتایج مطلوب می‌رساند. البته این به معنای نادیده گرفتن اقدامات حمایتی نیست و این اقدامات نیز باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرند. مدل ایده‌آل مدیریت راهبردی سیاست جنایی مشارکتی شامل اقدامات پیشگیرانه و حمایتی برای جلوگیری از وقوع جرم است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که سیاست جنایی ما به سمت اقدامات پیشگیرانه هدایت شود، زیرا هرگونه اقدام کیفری و نظامی ممکن است موجب تحریک بیشتر افراد شده و نتیجه‌ای معکوس به همراه داشته باشد.



۶.مراجع

۱. دلماس-م. ر.، (۱۴۰۲)، نظام های بزرگ سیاست جنایی، نشر میزان، تهران.
۲. دهخدا، ع.ا.، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. معین، م.، (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، انتشارات زرین.
۴. راغب اصفهانی، م.، (۱۴۱۲)، «المفردات فی غریب القرآن»، دمشق، دار العلم.
۵. قاضی زاده، ک.، احمدی سلمانی، س.ع.، (۱۳۸۶)، عفاف در قرآن و نگاهی به روایات، مطالعات راهبردی زنان، تابستان.
۶. کلینی، م.، (۱۴۰۵)، «الکافی»، بیروت، دارالاضواء.
۸. عظیم زاده اردبیلی ف. و حسابی، س.، (۱۳۹۰)، «سیاست جنایی و تطور مفهومی آن»، مجله تعالی حقوق، س ۴، ش ۱۵.
۹. رسن، ج.، (۱۳۸۴)، نگاهی به (سیاست) تسامح صفر، مترجم: جلال الدین قیاسی، فقه و حقوق، شماره ۴.
۱۰. عباسپور مبارکه، ح.؛ خسروشاهی، ق.؛ پوریانی، م.ح.، (۱۳۹۹)، بررسی علل و عوامل ایجاد کننده یا ترغیب کننده عدم رعایت حجاب شرعی در بین زنان کشور، ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، دوره ۳، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، اردیبهشت، صص ۶۹۲-۷۱۰.
۱۱. غلامی، ع.، (۱۳۹۱)، مساله حجاب در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. حمزه پور، ز. و حاذق، م.، (۱۳۹۱)، بررسی و تحقیق پیرامون حجاب و اشکالات مطرح شده در خصوص آن، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۳. مطهری، م.، (۱۳۸۶)، مسئله حجاب، تهران، صدرا.
۱۴. میرخندان، س.ح.، (۱۳۸۸)، حجاب در فرهنگ اسلامی، تهران، ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
۱۵. موسوی خمینی، س.ر.، (۱۳۹۲)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. خیری، ح.، (۱۳۹۴)، بررسی جامعه شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲.
۱۷. قاسمی، آ.، نقدی دورباطی، م.، آهنگران، م.ر.، (۱۴۰۳)، مبانی حاکم بر سیاست جنایی قضایی ایران در مقوله عفاف و حجاب، فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۶)، بهار.
۱۸. رضانی، م. و علیزاده، ا.، (۱۳۹۲)، سیاست جنایی، ابزارها، مقامات و مراجع دخیل در سیاست جنایی قضایی، مجله: کارآگاه، زمستان، سال هفتم، شماره ۲۵.
۱۹. رئیس، ا. و رئیس، ا. و حیدرزاده، ح. و یوسفی، ح.، (۱۳۹۳)، تاثیر حجاب و عفاف در کاهش آسیبهای اجتماعی زنان مطالعه موردی: شهرستان تربت حیدریه، همایش ملی جایگاه و نقش زنان در مدیریت جهادی، تربت حیدریه
۲۰. حسانی، ج.، (۱۳۹۶)، نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه در پرتو رویکردهای نظام سیاست جنایی ایران، همایش ملی عفاف، حجاب و سبک زندگی، زاوه.
۲۱. لازرژ، ک.، (۱۴۰۲)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، تهران، چاپ دهم.
۲۲. جمشیدی، ع.، (۱۳۹۴)، سیاست جنایی مشارکتی، تهران، نشر میزان